

الزامات دفاع میهنی فردا

ادامه از صفحه یک

تشکیل اتاق جنگ

با این‌که دلسوزان انقلاب از سال‌ها قبل نسبت به تشکیل اتاق جنگ (با عناوین و اسامی مختلف) و اخذ تصمیمات ویژه برای دوره تحریم در دو بخش تحریم‌شکنی و تحریم‌ناپذیری تأکید داشتند و حتی سازه‌های نهادی برای آن پیشنهاد و تعبیه کردند، اما متأسفانه روند بوروکراسی در کشور این مأموریت مهم را تضعیف و بعضاً به محاق و تعلیق برده است. تشکیل شورای دفاع ذیل شورای عالی امنیت ملی با این‌که دیر، اما بسیار مسرت‌بخش است؛ به شرط آن‌که این شورا هم در جنبهٔ تدرتی روند بوروکراسی اجرایی کشور هضم و خشت نشود.

تجربه‌های جهانی تشکیل چنین نهادهایی به بیش از هشتاد سال پیش در بنبوحه جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد و آمریکا، شوروی سابق و انگلیس تجارب گران‌بهای را در این زمینه از سر گذرانده‌اند. تجربه روسیه در همین جنگ اخیر با اوکراین نیز از این حیث قابل بازخوانی و درس‌آموزی است.

چین هم در دوره کرونا با این نگاه به مبارزه برخاست.

به نظر می‌رسد اداره کشور در زمان فعلی و احیاناً روز جنگ بعدی، نیازمند اتخاذ تدابیر خاص، سریع و قرارگاهی است تا از آفت تأخیر، ناهماهنگی و بخشی‌نگری حتی‌الامکان مصون باشیم. این اتاق با یک دبیرخانه چابک و چالاک‌فکری بایستی ضمن دستورکارسازی‌های درست، به‌فرایند حل مسئله با مشارکت انما‌ی هر حوزه پرداخته و در زمان کوتاهی به تصمیم رسیده و آن را عملیاتی نماید. تشکیل هرچه زودتر این شورا، دستورهای بر زمین‌مانده زیادی را همین الان در نوبت بررسی و اتخاذتصمیم عاجل دارد که ضرورت دارد با نگاه ویژه مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است این جنس‌شوراها زنده به دبیرخانه و دبیر چابک و چالاک خود، تیم‌کارشناسی مشاور و پشتیبان هستند و هرقدر در این بخش ضعیف موجود باشد، این شورا هم خیلی زود می‌تواند به سرنوشت قبلی‌ها دچار شود.

۲ پیگیری حقوقی ومحوکمیت‌جهانی‌اقدامات رژیم‌صهیونیستی

یک‌گام‌مهم در مقابله با تجاوز دشمن زورگو، تلاش مجاهدانه برای محکومیت و بی‌اعتباری جهانی اقدامات نامشروع و قاعده‌گریز رژیم صهیونیستی و ایالات متحده با استفاده از ظرفیت‌های حقوقی و دیپلماتیک است. حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، ترور دانشمندان و هدف قرار دادن مناطق مسکونی و حتی ترور فرماندهان نظامی آن هم در اقامتگاه مسکونی (غالباً با خانواده) و حمله بی‌رحمانه به مردم در مناطق مسکونی عادی، آشکارا نقض قوانین بین‌المللی و معاهدات رسمی است. با این‌حال، بخشی از کشورهای جهان – به‌ویژه مدعیان حقوق بشر در اروپا – حتی حاضر به محکوم کردن این جنایت نشده‌اند.

این درحالی است‌که تجاوز رژیم صهیونیستی – به‌انحاء گوناگون – برای اولین بار بار نبوده و ضرورت پیگیری جرائم رژیم صهیونیستی در صحنه بین‌المللی بارها توسط رهبر حکیم انقلاب مطالبه شده است. معظمله در قضیه مربوط به بدافزار استاکس نت، گلاویه عدم پیگیری حقوقی را مطرح فرمودند و همچنین بعد از حمله نظامی رژیم صهیونیستی در آپان‌ماه گذشته، شکل‌گیری ائتلاف همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... را علیه رژیم مجرم صهیونیستی ضروری دانستند.

بنابراین در این زمینه شاهد عقب‌افتادگی تاریخی هستیم؛ به‌گونه‌ای‌که گلاویه‌های رهبر انقلاب در این موضوع به نیمه‌های دهه ۹۰ و حتی قبل‌تر برمی‌گردد و با گذشت حدود ۱۰ سال، در دیدار اخیر با قوه قضائیه مجدداً معظمله بر این مهم تأکید کردند.

جمهوری اسلامی باید با بهره‌گیری از ابزارهای حقوقی و دیپلماتیک، این پرونده را به یک مطالبه جهانی تبدیل کند؛ از ثبت رسمی تجاوز دشمن در مجامع بین‌المللی و جلب آرای کشورها برای محکومیت آن گرفته تا پیگیری دریافت غرامت. این مأموریت بر عهده نهادهایی چون وزارت امور خارجه، معاونت امور بین‌الملل قوه قضائیه، ستاد حقوق بشر، کمیسیون حقوقی و امور قضایی مجلس، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و معاونت بین‌الملل دفتر رهبر انقلاب است. در این مأموریت، محوریت با قوه قضائیه است و ضروری است کمیته‌ای با محوریت معاونت امور بین‌الملل قوه قضائیه و عضویت نهادهای مذکور، متکفل پیگیری آن شوند. بدیهی است ظرفیت‌های بین‌المللی و کارشناسی فعلی قوه قضائیه برای این‌گونه امور پایین است و لازم است این ظرفیت‌ها با همکاری سایر نهادهای حقوقی و روابط بین‌الملل تقویت شود.

۳ هم‌ترازی انسجام اجتماعی وفناوری

یکی از ویژگی‌های نبرسد اخیر، فناوری‌پایه بودن آن بود؛ رویارویی‌ای‌که بیش از هر زمان دیگری بر ابزارهای پیشرفته تکیه داشت به‌گونه‌ای‌که شاهد جنگی هوشمند بودیم. در مقابل، نقطه قوت اصلی جبهه ما همچنان در «انسجام اجتماعی» و ظرفیت‌های نرم‌افزاری نهفته است. تجربه این نبرد نشان داد که برای دفاعی پایدار، این دو باید در کنار یکدیگر قرار گیرند. انسجام اجتماعی به‌عنوان روح مقاومت و فناوری به‌عنوان بازوی آن. اگر هرکدام از دیگری عقب بیفتند، خسارت‌آفرین است.

اگرچه عملکرد فناوری‌پایه ایران در دفاع میهنی اخیر توانست دشمن را عقب براند و امری درخور تقدیر بود، اما مرحله جدید احتمالی نبرد اقتضا می‌کند که توانمندی فناوریانه خود را پیش از پیش ارتقا دهیم؛ از حوزه‌های آفندی و پدافندی گرفته تا IT و شبکه، جنگ سایبری و کشیده شدن جنگ به زیرساخت‌ها از جمله زیرساخت‌های اقتصادی و... در این مسیر، چهار اقدام کلیدی ضروری است.

- شناسایی دقیق ضعف‌های خود بر اساس تجربه‌توروارتجاوزهای گذشته
- تحلیل نقاط ضعف دشمن و بهره‌گیری از آن‌ها از حیث اقتصادی، امنیتی و نظامی.
- درک شیوه طراحی و تاکتیک‌های دشمن و پیشی گرفتن از او (خواندن دست دشمن).
- خروج از الگوهای قابل پیش‌بینی و طراحی اقدامات غیرمترقبه برای غافلگیری دشمن و تغییر موازنه.

تحقق این اهداف با نقش‌آفرینی مجموعه‌های نظامی و دفاعی کشور و ارتباط

بامراکز دانش‌بنیان ممکن می‌شود. بدیهی است در این موضوعات، فرماندهی

میدان با مجموعه‌های نظامی و دفاعی است که با تعریف نیاز، ارتباط‌گیری

و فراهم کردن بستر فعالیت و پژوهش، ظرفیت‌های فکری، نوآورانه و حل

مسئله مراکز دانش‌بنیان را توسعه دهند.

۴ حفظ انسجام از طریق سازوکارهای آن

پیش‌تر توضیح داده شد که اتکای جبهه ما در مبارزه، اتکای نرم‌افزاری و با تکیه بر ایمان الهی و حب وطن است که از مهم‌ترین

نمودهای آن می‌توان به انسجام و اتحاد مردم اشاره کرد. مقوله اتحاد ملی عنصری است‌که طی سالیان اخیر در کشور ما دچار اختلال شده بود و بر همین اساس دشمنان با خیال باطل از بین رفتن این نقطه قوت، اقدام به حمله نمودند. ماحصل این اتفاق، از سویی به طور موقت آسیب‌های سالیان گذشته را تا حد بالایی جبران کرد و از سوی دیگر به یکی از اصلی‌ترین عوامل پیروزی بدل شد.

واضح است که اتحاد را می‌توان دارای مراتبی دانست، اما آنچه اهمیت دارد این است که علی‌رغم اختلاف‌نظرها و سلاقی، اتحاد دل‌ها و جان‌ها حفظ شود. چنانچه رهبر انقلاب در بیانات ابتدای فروردین ۱۴۰۳ خود به این موضوع اشاره فرمودند: «نکته بعدی در باب منافع ملّی، مسئله اتحاد دل‌های مردم است؛ اتحاد عزم‌ها و اراده‌های مردم است. ما در این زمینه متأسفانه مشکلاتی داریم، عقب‌افتادگی‌هایی داریم؛ ارتباط و همدلی اجتماعی خیلی مهم است؛ در این زمینه دچار غفلت شدیم؛ خودمان به دست خودمان در وحدت ملّی مان اختلال ایجاد می‌کنیم. همه ما در این غفلت شریکیم؛ همه ما وظیفه داریم که وحدت ملّی را، اتحاد مردم را، اتحاد مردم و مسئولان را حفظ کنیم؛ روزبه‌روز آن را تقویت کنیم؛ این سیاست قطعی نظام جمهوری اسلامی از روز آول بوده است.» اتحاد و انسجام، علی‌رغم اهمیت روشن و غیرقابل انکار، از متولی مشخصی برخوردار نیست و سازوکار تعریف‌شده‌ای ندارد. فقدان این دو موجب شده که پرداختن به این مسئله هم صرفاً در حد حرف باقی بماند و در عمل شاهد عقب‌ماندگی باشیم.

بالاشک می‌توان مواردی را به‌عنوان عناصر دارای نقش کلیدی در ایجاد و حفظ اتحاد و انسجام دانست که از جمله آنان می‌توان به مسئولان، خواص و حلقه‌های میانی، احزاب، رسانه‌ها و... اشاره کرد. در وضعیت فعلی که این مقوله، جزء بالاشک امنیت ملی قلمداد می‌شود، شعام مهم‌ترین وظیفه در حفظ، رصد و برقراری اتحاد ملی و برخورد با برهم‌زنندگان آن دارد. به اختصار چند راهبرد کلیدی به‌عنوان راهبردهای اصلی این مقوله ذیلأ ذکر می‌شود:

عوامل اتحادآفرین:

- یکی از اصلی‌ترین عوامل ایجاد اتحاد در شرایط کنونی کشور، میهن است. در تجربه‌ای‌که از دفاع میهنی گذشت، مشاهده شد که همه با سلاقی گوناگون زیر این پرچم جمع شدند و کنار هم به دفاع پرداختند. از این رو، تکیه بر میهن و ضرورت پاسداشت این خاک، یکی از عوامل اتحادآفرین است.
- اتحاد به معنای پیوستگی، دارای مرز است؛ از این رو یکی از ارکان اتحاد، مرزگذاری با دشمنان است. برجسته کردن غیظ و عصبیت نسبت به متجاوز که هم‌زمان با چشپیدن درد تجاوز است، از عوامل ایجاد اتحاد خواهد بود و عدم رعایت فاصله با دشمن، مخل اتحاد است. مسئولین دیپلماسی کشور شایسته است نبض جامعه را در این خصوص دائم مدنظر داشته باشند.

عوامل مخل اتحاد:

- برجسته کردن تفاوت‌های عقیدتی و فکری باوجود اشتراکات فراوان، از عواملی است که اتحاد قلوب مردم را بر هم می‌زند.
- غلبه منفعت حزبی و جناحی بر منافع ملی نیز موجب بر هم زدن اتحاد عمومی است. انتقام‌گیری‌های سیاسی در همه حال مضر است و در شرایط فعلی مضرت‌ر.

۵ طراحی بسیج میهنی توده‌ها

از نکات مبنایی و مهم در تقابل با نظام استکبار، تکیه ما بر بُعد نرم‌افزاری است؛ برخلاف جبهه استکبار که بخش عمده توان و اعتماد خود را بر تجهیزات، سلاح و ابزارهای مادی متمرکز کرده است. در جبهه خودی، قوت ایمانی و پنین‌های فکری دینی موتور اصلی پیشروی و رمز توقیف به شمار می‌رود. بر همین مبنای، آحاد مؤمن و معتقد جامعه – به‌واسطه عدم برخورداری از ابزارآلات نظامی – نه‌تنها تهدید نبوده، بلکه فرصت و سلولی از سلول‌های مبارزه محسوب می‌شوند. چنین رویکردی، انرژی ایمانی عظیمی را خلق می‌کند که در مقابله با سوامی حوادث از جا تکان نمی‌خورد و حلال بسیاری از مشکلات ناشی از جنگ خواهد بود. تجربه دفاع ۱۲ روزه گذشته نیز ظرفیت بالای عمومی جهت حضور و ایفای نقش را به منصه ظهور گذاشت.

از این رو طراحی الگوی بسیج میهنی توده‌ها با هدف حضور و مشارکت عموم مردم در مبارزه با دشمن، از ضرورت‌های جبهه ایمان است.^۱ این بسیج را می‌توان به اقتضای توان و ظرفیت افراد، در کمّ و کیف متنوع سامان داد. عرصه‌هایی از قبیل «اطلاعاتی – امنیتی، امدادرسانی، خدمت‌رسانی، رسیدگی به خانواده شهداء، معنویت‌افزایی، اقتصاد، بهداشت و سلامت و...» مواردی است که می‌توان با تکیه بر ظرفیت مردم، هم بستر رشد عمومی را فراهم ساخت و هم نیازهای مستحدهٔ دوران جنگ و حتی نیازهای بلندمدت‌تر را پاسخ داد. تکیه به امکاناتی چون مساجد و بسیج محلات از ظرفیت‌های فعال‌سازی این بسیج عمومی است.

به نظر می‌رسد برخی انحرافات که در به‌کارگیری بسیج مردمی و سازمانی شدن آن در سال‌های گذشته اتفاق افتاد، در شرایط امروز قابلیت اصلاح و بازگشت به مسیر طبیعی و فلسفه ایجادیی آن را پیدا کرده است.

۶ تغییر سازوکارهای حفاظت فرماندهان و دانشمندان متناسب با تهدیدات

فرماندهان و دانشمندیانی که هدف ترور رژیم صهیونیستی قرار گرفتند، پیش‌تر نیز در فهرست تهدید این رژیم بودند و حتی برخی از آنان سابقه ترورهای نافرجام را داشتند. موفقیت دشمن در برخی از عملیات‌های اخیر نشان داد که او به‌طور مستمر در حال به‌روزرسانی روش‌های خود است و این به‌روزرسانی، ضعف‌های جدی در سازوکارهای حفاظتی ما را آشکار نمود.

همان‌طور که در بخش‌های قبل بیان شد، تقابل فعلی یک تقابل فناوری‌پایه است؛ به گونه‌ای‌که شاهد جنگی هوشمند هستیم. در مختصات این جنگ هوشمند، ترورها نیز بسیار دقیق و هوشمند انجام شدند. بر این اساس، ترور هوشمند، حفاظت هوشمند لازم دارد.

در چنین شرایطی، بازنگری و ارتقاء راهبردهای حفاظتی ضرورتی فوری است. این امر تنها با استفاده از روش‌های سنتی ممکن نیست، بلکه باید از فناوری‌های نوین امنیتی، مدل‌های پیش‌دستانه شناسایی تهدید و شبکه‌های اطلاعاتی هوشمند بهره گرفت.

چنین تحولی بدون حضور مجموعه‌های تحقیقاتی در حوزه IT و فناوری‌های هوشمند ممکن نیست. از این رو نیروی انتظامی، وزارت

اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و سایر نهادهای امنیتی لازم است نسبت به تعریف کار و مهیا کردن زیرساخت برای مجموعه‌های تحقیقاتی جهت رسیدن به الگوهای فناوریانه نویسن برای حفاظت از نخبگان و فرماندهان کشور اهتمام ورزند؛ الگویی که حداقل چند گام جلوتر از دشمن باشد.

۷ جلودار شدن رسانه

اگرچه عملکرد رسانه ملی و برخی دیگر از رسانه‌های حاکمیت در دوران جنگ گذشته قابل ستایش است، اما همچنان رسانه از آنچه که باید باشد عقب است. رسانه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مراجع تربیت عمومی جامعه، در زمان جنگ از سویی مکلف به اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی صحیح و سریع نسبت به وقایع و اخبار است و از سوی دیگر، وظیفه افزایش روحیه مقاومت و ایستادگی عمومی را بر دوش دارد و از همه مهم‌تر، روشننگری و بصیرت‌افزایی از شون آن است. رسانه باید کنداکتور جنگ، آن هم از جنس ترکیبی داشته باشد. چنین رسانه‌ای نیازمند مدیریت قارگاهی است. در مدیریت قراگاهی علاوه بر اطلاع‌رسانی اخبار، ضروری است حوزه امنیت روانی مردم نیز مورد توجه باشد و با دقت و ظرافت، شجاعت و سلحشوری روزمندگان و زبونی و اضمحلال دشمن و سازوکار تعریف‌شده‌ای ندارد. فقدان این دو موجب شده که پرداختن به این مسئله هم صرفاً در حد حرف باقی بماند و در عمل شاهد عقب‌ماندگی باشیم.

بالاشک می‌توان مواردی را به‌عنوان عناصر دارای نقش کلیدی در ایجاد و حفظ اتحاد و انسجام دانست که از جمله آنان می‌توان به مسئولان، خواص و حلقه‌های میانی، احزاب، رسانه‌ها و... اشاره کرد. در وضعیت فعلی که این مقوله، جزء بالاشک امنیت ملی قلمداد می‌شود، شعام مهم‌ترین وظیفه در حفظ، رصد و برقراری اتحاد ملی و برخورد با برهم‌زنندگان آن دارد. به اختصار چند راهبرد کلیدی به‌عنوان راهبردهای اصلی این مقوله ذیلأ ذکر می‌شود:

عوامل اتحادآفرین:

۸ تقویت پدافند غیرعامل، خاصه درحوزه تأمین کالاهای اساسی و طراحی سازوکارهای نظارت سخت‌گیرانه

یکی از نقاط مهم در اداره جنگ، تأمین کالاهای اساسی برای نیازهای روزمره مردم است. در مرحله قبلی دفاع میهنی، مراجع تأمین کالاهای اساسی تا حد قابل توجهی مصون از حملات دشمن بود و میزان ضربه واردشده نیز مدیریت شد. از این رو، تأمین کالاهای اساسی برای میان‌مدت و طراحی سازوکارهای سخت‌گیرانه جهت طی شدن درست فرایند تولید، انبار و توزیع ضروری است. با توجه به انواع سناریوها در شیوه حملات دشمن به این اقلام، یکی از راهبردهای مهم که باید مورد توجه قرار گیرد، بهره‌گیری از ایده‌های نو و خلاقانه در تولید، توزیع و انبارداری این اقلام است که در این زمینه تکیه بر ظرفیت مردمی راهگشاست. تحقق این امر مستلزم شکل‌گیری آرایش جنگی مطابق با طراحی اتاق جنگ اقتصادی است که در راهبرد اول شرح داده شد.

۹ بازتنظیم شرایط زیرساخت‌های حیاتی مثل آب، برق، گاز و درمان جهت آسیب‌پذیری حداقلی در زمان جنگ

در کنار تأمین کالاهای اساسی، حفظ زیرساخت‌هایی همچون آب، برق، گاز و خدمات درمانی برای تداوم زندگی عادی مردم ضروری است. اختلال در این زیرساخت‌ها نه‌تنها حیات‌روزمره جامعه را مختل می‌کند، بلکه زنجیره تأمین کالاهای اساسی را نیز با بحران روبه‌رو می‌سازد. ازاین‌رو، باید برای اداره طولانی‌مدت دفاع میهنی، حداقل سطح پایدار این زیرساخت‌ها تضمین شود. به‌کارگیری راهکارهای نوآورانه و کم‌هزینه، با اتکا به ظرفیت مردمی – از شبکه‌های داوطلبی تا فناوری‌های بومی – ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بررسی تخصصی این ایده‌ها بر عهده دانشگاه‌ها و اندیشکده‌های مرتبط با حوزه‌های انرژی و زیرساخت است تا نقشه‌ای عملیاتی برای دوران بحران طراحی شود. همچنین دیپلماسی انرژی و دیپلماسی آبی با کشورهای همسایه به‌منظور تأمین منابع موردنیاز می‌تواند بخشی از مشکلات را بکاهد.

۱۰ مسئله مخبرین و نفوذی‌ها

اگرچه مسئله نفوذ و جاسوسی بخشی از نتایج خود را در قضیه ترور فرماندهان و دانشمندان نشان می‌دهد، اما مسئله‌ای بسا گسترده‌تر است. تأثیر در جهت‌گیری فکری مردم و مسئولان، امکان خرابکاری‌های مختلف، زمینه‌سازی شورش و حرکات مسلحانه و... از دیگر نتایج نفوذ و جاسوسی است.

سال‌هاست رهبر حکیم انقلاب بحث نفوذ را مطرح و نسبت به آن هشدار داده‌اند، اما به نظر می‌رسد نفوذ یکی از دستورکارهای اصلی دشمن است و از رصد ما جلو افتاده است.

قوه قضائیه، سپاه، وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی از متولیان حل مسئله نفوذ هستند. ضروری است با بهره‌گیری از تجربیات گذشته، توفیق‌ها، شکست‌ها و نقاط خلأ شناسایی و با در دست داشتن طرحی رو به جلو، با مسئله جاسوسی مبارزه به عمل آید. شورای هماهنگی اطلاعات کشور که در سال ۱۳۹۲ شکل گرفت، پاسخگوی نیاز فوری و عملیاتی این حوزه نیست؛ بازنگری سازوکار و حتی اعضای این شورا و همچنین جایگاه و ساختار آن از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است.

۱۱ مغتنم شمردن امکان اثرگذاری تربیتی

یکی از اتفاقاتی که طی سالیان گذشته شاهد آن بودیم، جافتادن برخی انگاره‌های غلط پیرامون رژیم صهیونیستی در بین‌اقتشاری از جامعه بود؛ انگاره‌هایی که بر هویت غصبی و ظالم آن روپوش گذاشته و تصویر روتوش‌شده‌ای از آن به خورد نسل نو داده می‌شد.

تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی به ایران پرده از ماهیت سفاک و ددمنش این رژیم به تا حد قابل توجهی برداشت و زمینه را برای گفت‌وگو پیرامون جزئومکی این رژیم در بین برخی اقشار که تحت تأثیر تهاجمات رسانه‌ای قرار گرفته بودند، فراهم کرد.

این مهم بالأخص برای کودکان و نوجوانان از جهات مختلف دارای اهمیت و همچنین امکان‌بالا‌تری است. ازاین‌رو، ضروری است با تکیه بر سه راهبر «بحث و گفت‌وگو، آگاهی‌بخشی و امتداد و استمرار برای اقناع و جافتادن» به‌عنوان راهبردهای اصلی در این حوزه، فرصت تابستان جهت آموزش‌های مضاعف، اضافه‌کردن اسناد و مطالبی پیرامون

حقیقت این جریان در کتب درسی، توجیه استادان و معلمان، برنامه‌های گفت‌وگومحور آزاداندیشی جوانان و... مغتنم شمرده‌شود و آگاهی‌بخشی لازم از چهره این رژیم انجام گیرد. آموزش و پرورش، صداوسیما و آموزش عالی متولیان اصلی این عرصه محسوب می‌شوند و مکلف به بهره‌برداری از این فرصت هستند. شاید بتوان ادعا کرد که این شرایط، فرصت بی‌بدیلی در ترویج و بارورسازی فکر صحیح و قوی در بین اقشار گوناگون، بالأخص کودکان و نوجوانان، در اختیار قرار داده است.

۱۲ مقابله همه‌جانبه با فساد

فساد، بزرگ‌ترین تهدید برای اعتماد عمومی و انسجام ملی است. بدیهی است که بی‌اعتمادی ناشی از فساد، شکاف میان مردم و حاکمیت را دامن زده و به‌تدریج سرمایه نرم‌افزاری کشور در نبرد با دشمن را دچار ضعف و زوال می‌کند. باید با هرچه باعث تزلزل در اتحاد و انسجام و صاحب‌انقلاب بودن مردم می‌شود، برخورد کرد؛ که از مصادیق مهم آن، فساد، رانت و تبعیض است.

دفاع میهنی اخیر با آثار مثبتی جهت بهبود این سرمایه همراه بود، اما یکی از الزامات اساسی تداوم آن، منوط به مبارزه‌ای فراگیر با فساد به‌ویژه در سطوح مدیریتی است. در این راستا:

قوه قضائیه باید با قاطعیت، برخورد با مفسدان را تسریع و اطلاع‌رسانی کند؛ نیروی انتظامی و دستگاه‌های نظارتی همچون سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات باید فعالانه وارد عمل شوند؛ و ایجاد سامانه‌های شفافیت عمومی و گزارش‌دهی مردمی می‌تواند به‌عنوان مکملی برای نظارت رسمی عمل کند.

شک نکنیم که مبارزه بی‌امان با فساد نه‌تنها اعتماد مردم به حاکمیت را تقویت می‌کند، بلکه سرمایه اجتماعی لازم برای تداوم مقاومت را حفظ خواهد کرد. (حتی بر خورد با اختلال‌هایی که به چشم کوچک می‌آیند – مثل گران‌فروشی در قیمت بلیت اربعین – در چشم تیزبین مردم کاملاً رصد می‌شود).

۱۳ تدبیر برای جنگ ادراکی

همان‌گونه که در مقدمه این سند بیان شد، تهاجم دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران صرفاً محدود به عرصه نظامی نیست؛ بلکه در قالب جنگی ترکیبی، خاصه ادراکی، به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارها برای تغییر محاسبات جامعه به‌ویژه در میان نخبگان و اقشار خاکستری عمل می‌کند. تجربه‌های گذشته نشان داده است که جنگ ادراکی می‌تواند به‌طور مستقیم بر روحیه عمومی و حتی معادلات میدان نبرد تأثیر بگذارد. روایت فاتحانه تأثیر مستقیم بر محاسبات داخلی و همچنین محاسبات دشمن دارد.

به‌منظور مقابله با این تهدید، ایجاد قرارگاه مدیریت جنگ ادراکی با سه مأموریت زیر ضروری است.

- رساندن اطلاعات دقیق و شفاف به مردم و جلوگیری از آشفته‌گی خبری.
- ارائه تحلیل‌های منسجم مبتنی بر مبانی ایدئولوژیک و سیاست‌های کلان نظام، به‌ویژه در شرایط بحرانی.
- مدیریت خط خبری و تبیینی کشور با رصد دائمی عملیات روانی دشمن و نیازهای افکار عمومی.

این قرارگاه با باید از ترکیب:

مبلغان و اندیشمندان دینی (برای تبیین مفاهیم ایمانی)، خبرنگاران و تریبون‌داران رسانه‌ای (برای انتشار سریع و دقیق پیام) و کارشناسان تحلیل رسانه و افکار عمومی (برای پایش و مقابله با عملیات روانی دشمن) تشکیل شود. بدیهی است که عرصه تبیین یک فرایند صرفاً دستوری نیست و مدیریت آن مستلزم تعامل هوشمندانه با شبکه گسترده تبیین‌گران مردمی است. ازاین‌رو، فرماندهی قرارگاه باید در اختیار فردی قرار گیرد که هم به ظرایف تبلیغ دینی مسلط باشد و هم شناخت عمیقی از سازوکارهای رسانه‌ای و عملیات روانی داشته باشد. خروجی مورد انتظار از این قرارگاه عبارت است از کاهش اثر عملیات روانی دشمن، ارتقای تاب‌آوری ادراکی جامعه و پشتیبانی مستقیم از پایداری اجتماعی در جنگ.

۱۴ آموزش عمومی اصول دفاع میهنی

بخشی از تلفات و خسارات ناشی از حملات دشمن نه صرفاً به علت شدت حملات، بلکه به دلیل نابلدی و ناآگاهی مردم در مواجهه با شرایط جنگی رخ می‌دهد. اگرچه سهم این عامل در مقایسه با شدت تهاجم ممکن است محدود باشد، اما با توجه به اهمیت حفظ جان مردم و نقش حیاتی آنان در دفاع میهنی، آموزش‌های عمومی پیشگیرانه از ضروریات غیرقابل انکار است.

ارائه این آموزش‌ها نه‌تنها می‌تواند به‌طور مستقیم از میزان تلفات و خسارات بکاهد، اما به‌نظر می‌رسد مناسبی برای تقویت مشارکت مردمی در

امدادرسانی و خدمت‌رسانی در دوران جنگ فراهم می‌آورد.

محتوای آموزش‌های عمومی:

- نحوه صحیح پناه‌گیری در زمان حملات
- مدیریت صحنه‌های بحران و کمک به مصدومان
- امدادهای اولیه و اقدامات حیاتی قبل از رسیدن نیروهای تخصصی
- روش‌های بازگشایی مسیرهای مسدود و کمک به عملیات نجات
- آشنایی با سازوکارهای هشدار و تخلیه اضطراری
- نهادهای مسئول:**
- جمعیت هلال احمر
- سازمان آتش‌نشانی
- اورژانس کشور
- سازمان پدافند غیرعامل
- بسیج محلات و مساجد به‌عنوان شبکه‌های پشتیبان
- اجرای این برنامه نه‌تنها آثار مستقیمی بر کاهش خسارات انسانی دارد، بلکه پیام اهمیت جان مردم از سوی حاکمیت را به‌طور ملموس به جامعه منتقل می‌کند؛ امری که موجب افزایش اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی در دوران جنگ خواهد شد. بدیهی است در این جنس امور، باید مراقب امنیت روانی و تشویش ذهنی مردم هم بود و این آموزش‌ها بایستی در بستری آرامش‌برانگیز عرضه شود.

پی‌نوشت:

۱- در این خصوص، پیشنهادیه‌ای در هسته مدیریت جهادی مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع) تهیه شده است.